

ای مسلمانان مباحثد مانند آنابکه رنجابیدن موسی را پس پاک ساخت خدا تعالی او را از آنچه گفته بودند و بود موسی نزدیک خدا با آبرو.

سوره الاحزاب آیه ۶۹

ملقات وزیر عدلیه با مشاور حقوقي بین المللی و رئیس واحد حمایت از اطفال یونیسیف

کرارنگر بنیر احمد هوربی



جلانماب دکتري عبدالصبر نور وزير عدلیه ج.ا.ا. دکتري اورسینا ویدکوهن مشاور حقوقي بین المللی و آقای جین لیبی رئیس واحد حمایت از اطفال نهاد یونیسیف، دیدار و گفتوگو کرد. ۱۳۹۵/۵/۲۳

در این دیدار، هر دو جانب، در باره چگونگی طرح و تسوید قانون جامع اطفال بحث و گفتگو نمودند.

وزیر عدلیه ج.ا.ا. در این باره، میگوید: تلاشهایی جریان دارد تا پیش از کنفرانس بروکسل، طرح قانون جامع اطفال، به کابینه ج.ا.ا. سپرده شود و از اینکه نظریات شما را در پیش نویسی قانون جامع اطفال داشته باشیم، خرسند میشویم.

به منظور غنی سازی این طرح، از نمونه های قوانین کشورهای؛ چون: تونس، المغرب، سواری، مصر، سوریه و تحقیقات دانشگاه «جان هاپکنز» در این باره، استفاده صورت گرفته است.

وزیر عدلیه ج.ا.ا. اضافه میکند: اکنون در رابطه به اطفال، دو قانون و سه مقررہ داریم و میخواهیم که طرح قانون جامع اطفال به گونه قانون اساسی اطفال (همه اساسات در آن گفته شود) تهیه شود و بر بنیاد این قانون، مقررہ های دیگری نیز، طرح و تسوید شود. در پایان، آقای جین لیبی و خانم اورسینا وعده نمودند که به منظور بازنگری کلی این طرح، در روزهای پیش رو، نظریات و تجربه هایشان را با این وزارت، در میان بگذارند.

تبع و نگار: بنیر احمد هوربی

اصدارقرار و فیصله در محاکم

فیصله از وازه فصلل گرفته شده است که در فر هنگ جامع نوین، فیصله را به معنای جدایی، داوری داور، حاکم، حکم، حکمی که حق و باطل را جدا کند آمده است. فیصله و قرار در اصطلاح حقوقي عبارت از حکم محکمه که به موجب آن اختلاف در آن محکمه حل و فصل شده و یا در شکلیات دعوی رسیدگی صورت می پذیرد. قلموس اصطلاحات حقوقي افغانستان فیصله را چنین تعریف نموده است: "فیصله یا حکم عبارت است از اصدار حکم مستدل و قانونی هیئت قضایی که در ماهیت دعوی بعد از جریان محاکمه صورت گرفته و جریان دعوی را در محکمه فیصله پایانی می بخشد."

قرار:

قرار در لغت به معنای ثابت، استوار کردن، استحکام بخشیدن و تاکید آمده است. و در اصطلاح حقوق عبارت است از "ارای یا تصمیم قضایی مکتوبی است که در آن سر نوشت دعوی مطروحه مشخص می گردد". با توجه به مندرجات مواد ۲۶۷ الی ۲۷۱ قانون اصول محاکمات مدنی به شرح زیر تعریف نموده است.

قرار عبارت از تصمیم قضایی است که متوجه ماهیت دعوی نبوده و در شکلیات آن رسیدگی صورت گیرد. قرار محکمه در اتاق مشوره مطابق حکم ماده ۲۴۳ قانون اصول محاکمات مدنی توسط هیات قضایی صادر می گردد.

محکمه می تواند در موضوعات عادی بدون رعایت حکم ماده ۲۶۸ قانون اصول محاکمات مدنی بعد از مشوره هیات قضایی قرار صادر و آنرا درج محضر نماید.

محضر عبارت از ورقه مطبوعه است که در محکمه جانده اتفاق افتاده یعنی در جایکه جانده به وقوع پیوسته است و اشخاصیکه در آنجا حضور دارند اظهارات شان درج ورقه مزبور شده و شخصت آنان اخذ می گردد.

قرار محکمه عندالصدور ابلاغ می گردد.

قرار محکمه جاری مطالب ذیل است:

- تاریخ و محل صدور قرار.
- نام محکمه صادر کننده قرار ترکیب محکمه و منشی جلسه قضایی.
- اشخاص شامل قضیه موضوع مورد منازعه.
- موضوعی که راجع به آن قرار صادر می گردد.
- علل و استنباطیکه محکمه به موجب آن قرار خود را صادر نموده است.
- استکاء قانونی محکمه.
- نتیجه گیری و تصمیم نهایی هیات قضایی.
- تعیین ميعاد شکایت علیه قرار بکه قانوناً قطعی نباشد.
- تذکر قطعی بودن قرار در مواردیکه قرار مطابق به احکام قانون نهایی پنداشته شده باشد.

فیصله:

تصمیم هیات قضایی در ماهیت موضوع بعد از جریان دعوی و تدویر جلسات قضایی، اتخاذ و به صورت فیصله صادر می گردد که در زمینه ماده ۲۴۶ قانون اصول محاکمات مدنی چنین صراحت دارد: "تصمیم هیات قضایی که در ماهیت دعوی بعد از جریان محاکمه اتخاذ می شود بصورت فیصله صادر می گردد". ادامه در ص/۲۱

اصول اساسی در اداره و استخدام

تبع و نگار: فیض الله خواجه آمانی

انها نباید بر اساس موارد فوق ویا هر دلیل دیگری با اتباع افغانستان تبعیض قابل شوند."

اصل عدم تسوای زمانی تحقق پیدا میکند که با اشخاص دارای عین شرایط ویکسان بر خورد غیر مناسب و غیر یکسانی صورت گیرد. و یا بر عکس با اشخاص دارای شرایط متفاوت و غیر یکسان بر خورد یکسان یعنی همای همه یکسان رفتار شود. در رابطه به رعایت اصل تسوای با برابری، باید گفته شود که هر سه قوه دولت ملزم به رعایت آن می باشند. زیرا که قانون اساسی اصل برتر است. و هر سه قوه موظف هستند که از قانون اساسی پیروی نمایند با وجود همه موارد فوق بر اساس اصل حاکمیت قانون، اداره به عنوان بخشی از قوه مجریه قوه اصلی اجرا کننده قوانین میباشد.

اصل شفافیت:

اصل شفافیت در اداره مهم است زیرا یک اداره شفاف می تواند به سادگی توسط مردم کنترل شود.

اصل شفافیت بدین معنی نیست که بعضی اسرار اداره که باید حفظ گردد افشاء شود. زیرا در بنصورت اداره و شهروندان از این ناحیه متضرر می شوند، هر شهروند حق دارد فقط معلومات راجع به خودش را از اداره مطالبه نماید. ضمناً باید اداره ادعا های ناچار را ششخص و از دادن معلومات در خصوص آنها خود داری نماید و چنان عمل کند که هر شهروند مطمئن شود که از طرف اداره معلومات راجع به خودش را شخص ثالث آگاهی حاصل کرده نمیتواند. در رابطه به موضوع بند سوم ماده پنجاهم قانون اساسی مینگارد: "اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون داری می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد." ادامه در ص/۲۱

۱- اصل قانونیت:

یک اداره وقتی تشکیل میشود باید جنبه قانونی داشته و اجرات آن هم باید مطابق قانون باشد. در رابطه به موضوع ماده (۵۰) قانون اساسی صراحت دارد: "اداره اجرات خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی میسازد." یکی از اصول اساسی که سایه خود را به سراسر حقوق اداری انداخته اصل قانونیت است. از اینکه اداره بخش از قوه اجراییه است. لذا رعایت قانون در اداره الزامی است. اصل قانونیت، اداره را ملزم به رعایت قوانین و مقررات می نماید. این اصل متشکل از دو عنصر است که برای فعالیت اداره مهم و اساسی تلقی میشود.

عناصر اول - عبارت از تعویق قانون است بر تمامی اعمال، اقدامات و تصمیمات دولتی که آن را قانونیت سیاسی گویند.

یکی از قدیمی ترین اصول حقوق، اصل تسوای در برابر قانون می باشد. این اصل تقریباً در قوانین اساسی تمام کشور های دموکراتیک تسجیل شده است. قانون اساسی کشور ما در ماده (۲۲) خویش این اصل را بدین شرح تذکر داده است: "هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می باشند." همچنان در رابطه به موضوع، بند اول ماده چهارم مقررہ طرز مسلوک کارمندان خدمات ملکی مینگارد: "کارمندان خدمات ملکی با تمام اتباع در همه وقت بطور مناسب و معقول بدون در نظر داشت وضعیت اجتماعی، قومی، جنسیت، دین، ملحوظات سیاسی، حالت فیزیکی، بر خورد نمایند."

قبل از اینکه در رابطه به اصول اساسی که در اداره و حین استخدام افراد که شامل اصل قانونیت، اصل تسوای، اصل شفافیت، اصل بیطرفی، اصل تناسب، اصل تحقیق و بازرسی، اصل حق ارایه دلیل بوده و اصلهای دیگری که باید در استخدام افراد مدنظر گرفته شود. مانند اصل برابری، فرصت شغلی، اصل مساوی برای کار مساوی، اصل لیاقت و شایستگی، اصل وجود امنیت شغلی، اصل تامین رفاه کارکنان دولت و اصل دفاع از حقوق شغلی می باشد بحث را ادامه دهم. در مورد اداره تعریف خواهیم داشت

تعریف حقوق اداره:

حقوق اداری شاخه از حقوق عمومی بوده از دو دیدگاه میتوان تعریف کرد، یکی از لحاظ صدور، یعنی از لحاظ ارتباط منطقی موجود بین مسائل مابها عمومی.

اگر از دیدگاه فوق الذکر حقوق اداری مورد مطالعه قرار گیرد وظایف و فعالیت دستگاه اداری یعنی مجموع مسائل مابها، ادارات، مقامات و مامورینی است که زیر نظر هیات حاکمه مقامات سیاسی به حفظ نظم عمومی در جامعه و تامین نیازها و خدمات همه گانی می پردازد.

دیگسر از لحاظ ماهوی؛ یعنی از لحاظ قواعد و احکامی که بر آن حاکم است از این لحاظ حقوق اداری مجموعه قواعد حقوقی متفاوت از حقوق خصوصی است که بر اعمال و افعال دستگاه اداری حاکم بوده و رابطه او را با افراد تنظیم می کند.

گسر چند در رابطه به حقوق اداری تعریف های زیادی از طرف دانشمندان حقوق ارایه شده و استاد سرور داتش در کتاب که تحت عنوان حقوق اداری در افغانستان بر رشته تحریر در آورده اند تعریفهای زیاد از دانشمندان حقوق اداری را تسجیل کرده اند اما این مقاله جنبش آوردن همه آن تعریفها را ندارد. لذا به یک تعریف اکتفا کرده اکنون بر می گردیم به شرح اصل اساسی که در یک اداره باید مد نظر گرفته شود.

اصدار قرار و فیصله ...

اصول اساسی ...

فیصله های محاکم و نحوه صدور فیصله های مدنی محاکم را از احکام فصل ۱۳ باب دوم قانون اصول محاکمات مدنی تنظیم و پیش بینی نموده که بدینا ابتدا بخشهای فیصله را تنگتر می دهم.

الف- بخشهای فیصله:

طبق حکم ماده ۲۵۴ قانون اصول محاکمات مدنی فیصله مشتمل از بخشهای مقدمه، تشریح، استدلال، نتیجه و نص حکم می باشد. بنا بر این فیصله را به پنج بخش تقسیم نموده که عبارت اند از:

۱- مقدمه.

۲- تشریح.

۳- استدلال.

۴- نتیجه.

۵- نص حکم.

اول- مقدمه:

مقدمه شامل مطالب ذیل می باشد:

۱) نام محکمه محاکمه، اسم رئیس جلسه، اعضای قضایی، منشی جلسه و سایر نوال در صورتیکه در جمله اشترک نماید. بطور مثال در شروع متون تشریحات نوشته می شود که "ریاست محکمه ابتداییه ... بعداً هیات قضایی، رئیس و محرم در ستون های تعرفه، تحدید موضوع و تشریحات فیصله و صورت حال امضاء می نمایند و اسم رئیس و اعضای هیات قضایی در اخیر فیصله و صورت حال درج می گردد و باز هم رئیس و اعضا امضاء نموده و به مهر محکمه مزین می گردد. اسم سایر نوال مدنی در موضوعات غیابی در ستون تعرفه اشخاص با نامبر مکتوب معرفی شده اند و مربوطه اش درج می گردد.

۲) شهرت مکمل مدعی و مدعی علیه با توضیح سکونت، پیشه، محل، وظیفه، نمبر تذکره تابعیت و محل صدور آن و شهرت سایر اشخاص شامل قضیه، وکلا و متملین قانونی آنها.

۳) تشخیص نوع موضوع دعوی. ستون خاص درج می گردد.

فیصله دارای نمبر عمومی و نمبر خصوصی می باشد. نمبر عمومی نمبری است که سلسله صدور تمام وثایق محکمه را از آغاز مسال الی وقت صدور وثیقه به شمارش می گردد. نمبر خصوصی عبارت از نمبر صدور فیصله های محکمه مذکور (نوع وثیقه) می باشد. تاریخ ابلاغ، تعداد اوراق فیصله و ضمایم آن نیز درج فیصله می گردد.

نوم - تشریح: این بخش حاوی مطالب ذیل است:

۱) صورت دعوی مدعی، مدافعات مدعی علیه و سایر مطالبات طرفین دعوی، دعوی مدعی بعد از صحبت آن درج فیصله می گردد و باید خواست مدعی را انعکاس دهد.

۲) اقرار و یا انکار طرفین: مدعی علیه در برابر دعوی مدعی اقرار می کند و یا انکار، در صورت اقرار مدعی علیه حکم هیات قضایی مبنی بر اقرار مدعی علیه صادر می گردد و در صورت انکار مدعی علیه از دعوی مدعی، مدعی مکلف است که دعوی خود را مطابق به احکام قانون و مدارک اثباتیه آن امر ثابت نماید زیرا که وسایل ثبوت به عهده مدعی می باشد.

۳) شهادت شهود، قبول یا رد: شهود بعد از سند به درجه دوم دارای قوت اثباتیه است هر گاه شهود با در نظر داشت احکام شریعت اسلام و مطابق دعوی، شهادت دهند، شهادت شهود قابل قبول محکمه می باشد. هر گاه شهود مخالف دعوی و بدون رعایت شرایط شرعی شهادت دهند شهادت آنها مورد قبول محکمه واقع نمی گردد. مدعی مکلف است شهود خود را حصر و شهرت مکمل شان را قبل از ادای شهادت تحریر و بعداً شهود معرفی شده اش را به جلسه قضایی حاضر کند در صورت رد و یا قبول شهادت شهود متن شهادت شهود از طرف هیات قضایی داخل صورت حال گردد در صورت قبولی شهود از طرف محکمه، مدعی علیه شهود مدعی را با می پذیرد و یا هم رد می کند. هر گاه مدعی علیه بعد از اقامه شهود، شهادت شهود را تصدیق و یا به اصل مدعی بها اقرار نماید، محکمه حکم خود را متکی به اقرار مدعی علیه صادر می کند. در این صورت نیاز به تزکیه سری و عثی نیست. اما

در صورتیکه مدعی علیه شهادت شهود مدعی را قبول نکند و مورد طعن (بدگویی) قرار دهد. محکمه در مورد شهود مطابق احکام قانون به تزکیه سری و عثی اقدام می کند. تمام این اجراءات در بخش تشریحی فیصله درج می گردد. قابل تذکر است که شهود تولیدی و شهود حصر و ولت بعد از درج صورت دعوی مدعی در محکمه اقامه می گردد و در بخش تشریحی فیصله و متصل به دعوی درج می گردد.

۴) اسناد، قراین قاطعه و مستنبطه:

اسناد دست نوشته طرفین که در جریان محاکمه به آن استدلال نموده اند درج فیصله می گردد تا اینکه مدار حکم قرار بگیرد.

۵) سوگند و نکول از سوگند:

در صورتیکه به یکی از طرف های دعوی سوگند متوجه گردد، اگر سوگند نمود در این صورت دعوی به نفع او فیصله می گردد ولی اگر از ادای سوگند نکول (خود داری) کرد ادعای جانب مقابل ثابت می شود.

۶) خلاصه جریان محاکمه در این بخش جریان محاکمه از آغاز الی صدور حکم بطور خلاص در فیصله محکمه درج می گردد.

سوم- استدلال:

بخش استدلال فیصله دارای مطالب ذیل می باشد:

۱) صورت تحقیق قضیه در محکمه.

۲) وسایل اثبات یا نفی و توضیح دلایل.

۳) استدلالی که در محکمه به اساس آن دلایل ارایه شده را قبول و یا رد می نماید.

۴) تذکر ماده قانونی که مورد استناد محکمه قرار می گیرد.

چهارم- نتیجه:

بخش نتیجه فیصله حاوی مطالب ذیل است:

۱) عدم اثبات دعوی: یعنی مدعی دعوی خود را اثبات کرده نتواند.

۲) الزام مدعی علیه: یعنی مدعی دعوی خود را ثابت نماید و مدعی علیه ملزم قرار گیرد.

۳) اندازه تعویض یا خسارات محکوم بها: محکوم بها باید در فیصله معین و محدود گردد تا اینکه حکم به مجهول نشود. حکم به مجهول مواجه به بطلان است.

۴) مصارف محکمه: محصول قیمت وثیقه و یا محصول فیصدی فیصله با نمبر اویز بانک در پیشانی ورق فیصله تحریر می گردد.

د) نص حکم:

در نص فیصله مطالب ذیل درج است:

۱) تذکر تاریخ جلسه قضایی و صدور حکم با اکثریت یا اتفاق آراء.

۲) اتکاه به دلایل مشخص با ذکر ماده قانون.

۳) ذکر طرفین دعوی یعنی ذکر حضوری طرفین دعوی در نص حکم.

۴) تعیین محکوم بها.

۵) رد دعوی یعنی در صورتیکه فیصله مبتنی بر ترک خصومت صادر گردد.

۶) ترک خصومت یعنی در صورتیکه فیصله مبتنی بر ترک خصومت صادر گردد.

۷) الزام مدعی علیه یعنی در صورتیکه مدعی دعوی خود را ثابت کرده بتواند.

همچنان نص حکم باید قاطع، صریح، خالی از هر نوع خلا و تعقیدات لفظی و معنوی باشد.

حکم محکمه بعد از انجام محاکمه بدون تاخیر به طرفین دعوی ابلاغ می گردد. و موعده استیناف خواهی و یا تمیز خواهی به محکوم علیه تذکر داده می شود. همچنان صورت قناعت و یا عدم قناعت محکوم علیه در پارچه ابلاغ تحریر و شصت آن بالا پیش گذاشته می شود، اگر فیصله محکمه قطعی باشد قطعی بودن فیصله برای طرفین دعوی تذکر داده می شود. فیصله محکمه بعد از صدور در مدت ده روز باید تحریر گردد بعد از ابلاغ حکم، به هیچ صورت مجاز نیست که در فیصله از طرف هیات قضایی تعدیل و یا نقض صورت گیرد.

نقائص املائی، انشایی و عددی در فیصله توسط هیات قضایی تصحیح می گردد و از صورت تصحیح آن در ذیل فیصله از طرف هیات قضایی تصدیق، مهر و امضاء می گردد. ناگفته نباید گذاشت که مطابق فوق الذکر در مواد ۲۵۵ الی ۲۶۳ قانون اصول محاکمات مدنی پیش بینی گردیده است. از متون فوق به این نتیجه می رسیم که محاکم در اجراءات خویش تصمیمی را که اتخاذ می نمایند نوعی می باشد تصمیم که هیئت قضایی در رسیدگی به شکایات قضایی می گیرند به نام قرار یاد شده که قرار نیز دارای انواع مختلف می باشد، تصمیمی که هیات قضایی در ماهیت قضیه اتخاذ می نمایند به نام فیصله یاد می شود.

منابع و مآخذ:

قانون اصول محاکمات مدنی

قلموس اصطلاحات حقوقی

رهنمود اجراءات مدنی با تبصره های حقوق بشر در افغانستان، گوبل ریپس

اصول محاکمات مدنی، گردآوری عصمت الله حیدری سایت وبکی پدید

اما آنچه قابل توجه می باشد اینکه بدون ایجاد سیستم مدیریت قضایا که بتواند قضایا را اثبت نماید (قضایای ثبت شده باید تکمیل باشد و وقایع اتفاق افتاده صحیح باشند.) از اداره شفاف که واقعیت ها را برای مردم برساند نمیتوان نام برد.

دلیل موجه که باعث رد یا محدودیت حق دسترسی به اسناد و معلومات اداری را توجه سازد، مخصوصاً زمانی که افشای معلومات در حالات ذیل بوقوع پیوندد.

- تهدید امنیت داخلی و خارجی.

- به مخاطره انداختن حیات، جسم یا صحت شخصی دیگر.

- توسط قانون ممنوع گردیده باشد.

اصل بیطرفی:

بیطرفی در اداره به این معنی است که بیطرفی اداره مطرح است نه بیطرفی اشخاص و مامورین اداری. در اینجا نوع بیطرفی مطرح بحث قرار می گیرد. یکی بیطرفی سازمانی و دیگری بیطرفی شخصی با فردی. این موضوع از مطالعه بند (۲) ماده پنجاهم قانون اساسی فهمیده شده میتوان که در زمینه چنین مشعر است: "اداره اجراءات خود را با بیطرفی کامل و مطابق قانون عملی می سازد."

الف- بیطرفی سازمانی

در بیطرفی سازمانی قانون اساسی کشور بصورت صریح از بیطرفی اداره بحث کرده اما کدام قاعده خاص که در مورد بیطرفی اداره به آن استناد کرد وجود ندارد. اما در هر صورت بیطرفی زمانی رعایت میشود که به هر شهروند بدون در نظر داشت جنسیت، قومیت، سابقه زندگی، عقیده سیاسی، و سایر موارد بصورت یکسان و برابر برخورد صورت گیرد. بنین ملحوظ نیاز به اصل دیگری نیست چون تبعیض قابل شدن بر اساس عقیده سیاسی و ملاحظاتی دیگر یک رفتار نابرابر پنداشته میشود.

بیطرفی شخصی و فردی:

در رابطه به بیطرفی شخصی که در حقیقت همان کارمند اداره است باید گفته شود که چگونه میتوان بحث از بیطرفی کارمند اداره داشت. بند دوم ماده دوم مقرر طرز سلوک کارکنان خدمات ملکی در زمینه چنین صراحت دارد: "تمام کارکنان خدمات ملکی مکلف به رعایت اصل بیطرفی در انجام وظایف محوله شان می باشند. همچنان بند هفتم و نهم ماده (۶) مقرر مذکور در جهت رعایت اصل بیطرفی، کارکنان خدمات ملکی را از دست زدن به فعالیت های مشخص منع نموده است. البته متذکر باید شد که دستور ات فوق الذکر مطابق شریعت اسلام است. در شریعت اسلام مسئله عدالت مهم دانسته میشود و یکی از بعد مهم عدالت همان بیطرفی است. چنانچه خداوند (ج) در قرآن کریم میفرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زبان خودتان یا [به زبان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از] دو طرف دعوا [توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرد آید یا اعتراض نمایند قطعاً خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است (سوره النساء آیه ۱۳۵) در این سوره حرکت و قیام در جهت عدالت که عدالت هم بدون همان بیطرفی نامین شده نمیتواند تأکید شده است.

اصل تناسب:

اصل تناسب برای اولین بار در قرن هجده بمنظور تحدید مداخله پولیس در امور مربوطه به آزادی اشخاص و ملکیت ها شکل گرفت.

تناسب عبارت است از تحدید قدرت دولت در تعدی به حقوق شهروندان می باشد، بنا دولت باید مطابق و متناسب به عدالت و قانون رفتار نماید. قبلاً گفتیم که اصل تناسب برای تحدید مداخله پولیس به آزادی اشخاص و ملکیت می باشد. بند دوم ماده (۲۰) قانون پولیس در زمینه چنین صراحت دارد:

"پولیس مکلف است حین استفاده از وسایل مجبره مدارجی را که در این قانون پیش بینی گردیده است. رعایت نموده حتی المقدور از اخف آن کار بگیرد."

اجراء اصل تناسب مستلزم شرایط ذیل میباشد که مختصراً از آنها نام برده میشود:

۱- هدف مشروع؛

۲- مناسب و بجا بودن اقدام؛

۳- ضروری بودن؛

۴- تناسب در مفهوم مضیق آن.

سه شرایط ذکر شده فوق قابل فهم بوده ضرورت به تشریح و تفصیل ندارد، اما آنچه قابل توضیح دیده میشود تناسب در مفهوم مضیق آن است. اصل تناسب در مفهوم مضیق آن به مفهوم معقول بودن تصمیم و تدبیر اتخاذ شده است. یعنی تصمیم که گرفته میشود و تدبیر که سنجیده میشود باید معقول باشد. اگر غیر معقول باشد و منافع افراد و جامعه منظر گرفته نشده باشد نتایج منفی در قبال شهروندان خواهد داشت. بنا تصمیم و تدبیر اتخاذ شده غیر متناسب و غیر قانونی خواهد بود

اصول اساسی ...

اصول اساسی ...

اصول اساسی ...

اصول اساسی ...

فساد اداری پدیده ...

اشکال فساد اداری: فساد اداری، مظاهر و شکلهای زیادی دارد که برخی از آنها عمومی و جهانی اند و برخی نیز برخاسته از ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی جوامع اند که از یک جامعه به جامعه دیگر تفاوت میکند. که در این مقاله برخی از آنها را به رشته تحریر درمی آوریم.

۱. رشوه: رشوه، هم یکی از اشکال فساد اداری است که روند کاری یک اداره را مختل می سازد که طی یک رابطه آلوده و فاسد گرفته یا داده میشود. و یا هر نوع مساعدت پولی دیگری است که معمولاً به مأمور حکومتی پرداخت میشود. چون نفس گرفتن یا دادن رشوه، تخلف است و باید آن را جوهر فساد دانست. و قانون جزا کشور هم در ماده (۲۵۴) بر رشوه ر چنین تعریف نموده، هر موظف خدمات عامه که بمقتصد اجرا یا امتناع و یا اختلال وظیفه ای که به آن مکلف باشد با نام خود یا شخص دیگری ی پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید یا از شخص و عده آنرا بگیرد و یا بخششی را قبول کند، و رشوت گیرنده شمرده میشود.

۲. اختلاس: اختلاس، یک شکل دیگری از فساد اداری است یعنی نزدین منابع توسط افرادی است که به این منابع دست دارند و قانون جزا در ماده (۲۶۸) در مورد اختلاس و غیرتصریح میدارد فقره (۱) هر موظف خدمات عامه که اموال دولت یا اموال افراد را که منحصبت وظیفه و به او سپرده شده اختلاس یا پنهان نماید به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردند. فقره (۲) اگر جرم مندرج فقره فوق را خزانه دار، تحویلدار، مأمور تخصصی، صراف، مأمور بطرول، مأمور شرک، گندم دار، معتمد بن نقدی و جنبشی و موظفین اراق یا سایر اشخاصیکه منحصبت وظیفه و به حفاظت اشیای اختلاس شده و یا پنهان شده مکلف باشند مرتکب گردند، و به حبس طولیل محکوم می گردند.

۳. خویشاوندسالاری: خویشاوند سالاری شکل ویژه ای از فساد اداری است که طی آن، مدیر یک اداره و ارقام و اعضای فامیل خود (همسر، برادر و خواهر، فرزندان، عمو و...) را بر دیگران ترجیح میدهند. که در این مورد قانون جزا در ماده (۲۸۲) (موظفین خدمات عامه را هتسار میدهند که اگر از حدود صلاحیت های قانونی اش یا فراتر نهد به چنین جزای محکوم میگردد. متن ماده چنین است هر گاه موظف خدمات عامه بمقتصد رسانیدن نفع یا ضرر بیکی از طرفین دعوی نزد قضایی یا محکمه به صیغه امر یا التماس یا خواهش و یا سفارش و واسطه شود. به حبس قصریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

۴- سوی استفاده از صلاحیت و وظیفوی: شکل دیگر، از فساد اداری سوی استفاده از صلاحیت و وظیفوی است یعنی اینکه شخصی از قدرتی که اداره دولت برای خدمت به مردم به او داده است در جهت منفعت شخصی خود و یا دیگری استفاده می کند.

قانون جزا در ماده (۲۷۹) در مورد صراحت دارد هر گاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت و وظیفوی خود مال منقول یا غیر منقول را از مالک آن به زور بخرد یا بدون حق آنرا تصرف مالکانه خود در آورد و یا مالک را بفرش مال به شخص دیگری مجبور سازد، علاوه به حبسیکه از دو سال بیشتر و جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نباشد به جزای طرد از منسلک یا انفصال از وظیفه و به رد شی غضب شده و یا قیمت آن، اگر عین شی موجود نباشد محکوم میگردد. سبب استفاده از صلاحیت و وظیفوی نیز در اسلام ممنوع فر از داده شده است.

و پیامبر اسلام می فرماید کسی را که برای انجام کاری استخدام نمودیم و برایش معاش تعیین کردیم بعد از آن، هر چه بگیرد خیانت و ظلم است. تاثیرات منفی فساد اداری در جامعه: فساد اداری همچون یک غده ای سرطانی است که آسیب های زیادی را بر جامعه و کشور وارد می آورد و این همان بالای است که قرآن کریم در آیات متعددی به آن اشاره نموده و آنرا باعث تخریب و ویرانی زمین دانسته است ترجمه. و هنگامیکه روی برمی گرداند و می رود و یا به ریاستی می رسد در راه فساد در زمین کوشش می کند و کشت و نسل را نابود می سازد و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی دارد. (سوره بقره آیه ۲۰۵) محققین، فساد اداری را به مرض ایندی یا سرطان تشبیه نموده اند که از یک نهاد و اداره به نهاد و اداره دیگر سرایت می کند. و در نهایت تمام سیستم دولت را در بر گرفته، موجب سلب اعتماد مردم میگردد، و شوهر از جامعه را از هم می پاشد. هر گاه در جامعه ای فساد اداری بیداد کند، سرمایه ها از بین میروند و فقر حاکم میگردد، در انصورت دیگر تنها شکم مردم گرسنه نمی ماند بلکه بروح و روان مردم اضطراب و ترس حاکم خواهد گردید، و امنیت اجتماعی از بین خواهد رفت. زیرا هر گاه امنیت اجتماعی وجود نداشته باشد هر کس سعی می کند شخصاً اقدام به تامین زندگی اقتصادی و اجتماعی خود کند و تلاش می کند هر چه زودتر به این هدف دست یابد لذا وقتی از راه های قانونی مثلا معاش (حقوق) رسمی خود به هتس نرسد، سعی می کند از طریق غیر قانونی به اهدافش دست یابد پس در نتیجه تلاش برای تامین زندگی اجتماعی و اقتصادی از طریق نامشروع و بی نظمی، اجتماعی را ایجاد می کند.

راهکار های مبارزه با فساد اداری: به نظر من راه های که میتواند ما را به این هدف نهایی برساند عبارتند از:

۱- ترویج فرهنگ اسلامی: در دنیای امروز کشورها نمی توانند دیواری به دور خود بکشند و از برخورد فرهنگ جامعه خود با فرهنگ های بیگانه در امان باشند. اگر فرهنگ جامعه ای توان خود را از دست بدهد و مردم از فرهنگ خود گسسته شوند قدرت در دست اندیشین از آنها سلب می گردد و در این درباری ارتباط غرق می شوند.

و اگر ملتی علاقه مند به حفظ و پاسداری از هویت فرهنگی خود باشد باید سعی کند فرهنگ غیر مادی جامعه خویش را حفظ نماید. اگر مردم به این اصل مهم دینی و عقلی آگاهی یابند و خود را مقید و عامل فساد و هر کس در محدوده زندگی خویش با فساد و زشتی های که مخالف آموزه های دینی و قانون نافذ کشورشان است مبارزه کند و مردم را به نیکی دعوت نماید مفسدین هرگز روزنه ای برای نفوذ نخواهد یافت. و خداوند متعال در این باره می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱۰۴) «و گروهی که دعوت به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند اینان رستگار اند. این آیه بیان می دارد که امر به معروف و نهی از منکر از لوازم واجبات اجتماع سالم و صالح است.

ادامه در شماره بعدی

اشخاص دارای...

را اذیت نمایند توجه صبورانه نمیکردند. لذا در این تعریف، خود «شخص» محور توجه قرار می گیرد نه «رابطه شخص با محیط».

تعریف اجتماعی معلولیت: بعد ها به اثر داد خواستی مبرزان حقوق بشری، تعریف نوع طبی معلولیت با تدوین قواعد معیاری تساوی امکانات برای اشخاص دارای معلولیت که در سال ۱۹۹۳ به تصویب ملل متحد رسید، تغییر یافت حالا توجه بیشتر به زمینه های اجتماعی، که معلولیت را به بار می آورد صبورانه میگردد و بین کلمه معلولیت و ضرر ناشی از معلولیت تفاوت می گذارند. به این معنی که معلولیت عبارت از نارسیایی فزیولوژیکی، فزیکی (اعضای بدن)، نماغی و روانی است در حالی که آسیب های ناشی از معلولیت عبارت است از دست دادن یا محدود شدن زمینه اشتراک همه جانبه شخص دارای معلولیت در امور اجتماعی.

بنابر این چنین برداشتی می گردند که متأسفانه محیط و جامعه با نادیده گرفتن ضرورت ها و مشکلات فردی اشخاص دارای معلولیت، در ناتوانی نشان بخشند. دارد از این رو معلولیت از نگاه اجتماعی چنین تعریف می گردند:

معلولیت عبارت از حالت مواجه شدن با ایند تفاوت یک فرد دارای نارسیایی جسمی، فزیولوژیکی و روانی یا مرضی با محیط و بر داشت های محدود کننده چیزی که بسیار مهم است آن نارسیایی جسمی و روانی میباشد به ناتوانی یک شخص منتج گردد. در این جا معلولیت با ناتوانی چیزی فراتر از نارسیایی جسمی و روانی است. برای وضاحت مطلب چنین مثال می آوریم که از ادبی بیان در یک جامعه یکی از حقوق بشری است. هر گاه در یک مکان یک جمعیت هزار نفری گرد هم آمده اند و می خواهند روی مسئله مهم اجتماعی مباحثه نمایند، شخصی که از هر دو باقی است میخواهد در این اجتماع خطابه ایراد نماید ولی زینه طوری است که او به روی اشتیاق بالا نمیتواند و حرف خود را به مردم گفته نمیتواند، در این صورت او به بنییم که بر اثر نامناسب بودن محیط اجتماع در این حق از ادبی بیان ناتوان میشود.

تعریف نوع اجتماعی معلولیت، تبعیض اجتماعی را یک عامل عمده معلولیت میداند. مطابق دیدگاه های اجتماعی، مردم متفاوت از همدیگر پنداشته نمی شوند بلکه از نگاه ضرورت ها از هم متفاوت نمی شوند یک موضوع طبی پنداشته نمی شود بلکه به مثابه یک جزایان پاروند توأم با نوسانات هست و به سخن دیگر، برداشت مردم از کلمه معلولیت به سطح آگاهی و دانش و ابزار های اجتماعی و فرهنگی آنها تعلق می گردد. هم این که مردم چگونه با اشخاص دارای معلولیت برخورد می کنند.

تعریف معلولیت از نگاه حقوق بشری: در ماده اول کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت چنین آمده است: «اشخاص دارای معلولیت، صرف نظر از محدودیت های جسمی و روانی ناشی از آنها، عین حقوق اساسی را دارند که دیگر شهروندان هم سن و سال دارند تا در حد ممکن از زندگی خوب و معمول مستفید شوند.»

سبب انجام تلاش ها برای معلولیت از نگاه دستری به مسائل اجتماعی و محیط سازگار، منتج به تعریف معلولیت از دیدگاه حقوق بشری شد. خاصر محدود کننده دسترسی اشخاص دارای معلولیت به امکانات اجتماعی و محیط سازگار با موضوع حقوق بشر بوده است که در واقع بر محروم شدن اشخاص دارای معلولیت از سهم کامل و یکسان شان با دیگران در امور اجتماعی، اقتصادی، فزیکی، فرهنگی و سیاسی بحث می کند و این خود نوعی تبعیض در مقابل اشخاص دارای معلولیت پنداشته می شود. بر اساس همین تعریف حقوق بشری از معلولیت است که دولت ها مکلف می گردند تا قوانین ملی شان را طوری تصویب نمایند تا از زمینه شمولیت کامل اشخاص دارای معلولیت را همسان با دیگران در تمامی شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تضمین نمایند. هدف از تعریف معلولیت از نگاه حقوق بشری عبارت از زیستن دسترسی به امکانات یک جامعه بر اساس احترام و تساوی تمام انسان ها، صرف نظر از تفاوت های طبیعی شان است.

تعریف معلولیت در کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت: اشخاص دارای معلولیت شامل آنها می شوند که دارای ناتوانی های فزیکی، روانی، فزیکی یا جسمی دراز مدت بوده و در مواجه با موانع مختلف از مشارکت کامل و مؤثر آنها در جامعه جلوگیری می گردد. ادامه در شماره بعدی

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
 تحت نظر: هیئت تحریر
 سر دبیر: دردانه فضائی
 هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه اماني، گلالي سنگر خیل عزیزی، دوست محمد عارف، شفیق الله نسی زاده و محمد عارف صباح
 دیرایتر: سید عابد مخمور sayed_abdul@yahoo.com
 گزارشگر: بشیر احمد عزیزی
 آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی
 آدرس انترنیتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی agahi.hoquqi@gmail.com
 شماره تماس: 93+9(0) 750 054 336 - 93+9(0) 0752 042 275



monthly

Agahi Hoquqi

Ministry of Justice's Publication Organ

سال دهم • شماره ۱۵۸ • ۳۱ اسید ۱۳۹۵ • 19 • 2016 August

ملاقات وزیر عدلیه با دکتر اسکناپر

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



جلا تمناپ داکتر عبدالصبور انور وزیر عدلیه ج.ا.ا با داکتر اسکناپر مشاور بین المللی بلنڈ برنڈ اسکناپر و آقای عبدالصبور ملکزى معاون رئیس پروژه عدالت در افغانستان دیدار و گفتگو کرد.

۱۳۹۵/۱۳
 در این دیدار، دو طرف در باره روند ارزیابی نهادهای بشری در اداره های حقوقی این وزارت، بحث و گفتگو کردند. روند ارزیابی به منظور بلنڈ برنڈ اسکناپر و کارمندان (HICD) و ترتیب پلان عملی، انجام می شود. آقای اسکناپر، این روند را توضیح داده و میگوید: هدف روند ارزیابی در اداره های حقوقی، اینست که ضمن آموزش افراد، نهاد نیز ارزیابی گردد تا به یک راه حل کلی برسند. وی همچنین میگوید: فواید ارزیابی اداره های حقوقی، اینست که نهاد ارزیابی شوند، مواردی را که نیاز به انکشاف و پیشرفت دارد، شناخته و در راستای حل آن، تلاش می نمایند. وی اضافه می کند: به منظور تطبیق این روند، یک برنامه مشترک برای همه کشورهایی که نهاد (USAID) در آنجا فعالیت میکند، وجود دارد. آقای اسکناپر هدف از دیدارش را، تهیه و ترتیب پلان کاری به منظور تطبیق این روند در وزارت عدلیه، سستر و محکمه و انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان، میگوید. وزیر عدلیه ج.ا.ا، ریاست حقوقی را یک بخش مهم میدانند و اما میگوید که ضرور است تا در عرصه مدرنیزه کردن، کارکردهای این ریاست، به ویژه در راستای بلنڈ برنڈ اسکناپر و نمایندگان، کار مؤثر و بنیادی صورت بگیرد.

همچنان از آنان خواست تا در برگزاری برنامه های آموزشی در از مدت برای کارمندان این وزارت، گامهای مؤثری بردارند تا کارمندانی که مدرک بگیرد را دارند، بتوانند تا مقطع لیسانس و ماستری، تحصیل کنند. به گفته مسوولان این نهاد: سعی میکنند تا پس از ارزیابی سر اسری، گزارش از اداره های حقوقی مرکز و ولایتهای افغانستان تهیه کنند. در این گزارش، چالش هایی سر راه اداره های حقوقی را یاد داشت کرد و به منظور حل آن، در همکاری با وزارت عدلیه، کار میکنند. پروژه دسترسی به عدالت و انکشاف حقوقی از سوی نهاد (USAID) تمویل میگردند. این پروژه، با ریاست حقوقی وزارت عدلیه، سستر و محکمه و انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان، همکاری دارد. پروژه دسترسی به عدالت و انکشاف حقوقی برای پنج سال است.

فساد اداری پدیده منفور جامعه

تبع و نگارش: سلیم صهیب

فساد اداری، یک پدیده ای نوئی نیست؛ پیدایش و گسترش آن، قدمتی به اندازه تاریخ اجتماعات بشری دارد. به همین دلیل، همواره پیامبران الهی و اولیای حق، در این میان نقش بسیار برجسته ای داشته اند. آنان مبارزه با فساد و تباهی و برقراری قسط و عدل در جامعه را سر لوحه برنامه های تبلیغی خود قرار داده و در این راه، جان نثاریهایی فراتر از خود نشان داده اند که در خور ستایش می باشند. زیرا جستجوی راهکارهای دینی و ارزشی برای مبارزه با فساد اداری، از آنرو اهمیت دارد که جامعه ما جامعه ای اسلامی است و در چنین جامعه ای، الگوها و راه حلهایی می توانند پاسخگو باشند که با فرهنگ و ارزشهای حاکم بر آن تناسب و سازگاری داشته، و از ارزشهای دینی و قانونی نشئت گرفته باشد. ومن در این پژوهش میگویم راهکارهای مبارزه با فساد اداری را بر اساس ارزشهای اسلامی و قانونی جستجو کنم.

فساد اداری پدیده پیچیده و چندوجهی است که اشکال، عوامل و کارکردهایی متنوع در زمینه های مختلف دارد. پدیده فساد، از یک عمل کوچک خلاف قانون گرفته تا عملکرد نادرست یک نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را میتوان در بر داشته باشد. پس ارائه تعریفی واحد، کامل و جامع از اصطلاح «فساد اداری»، کاری بسیار سخت و دشوار است؛ چون فساد اداری، یک عمل بخصوصی نیست که بتوان مصادیق آن را نشان داد و به سادگی آن را تعریف کرد؛ بلکه مفهومی است که مصادیق آن را تنها در «نمود» های آن میتوان یافت و از طریق نشانه ها و عوارض آن را شناخت. چون فساد اداری، ابعاد مختلفی دارد که اندیشمندان و دست اندکاران امور سیاسی و اداری با رویکردهای مختلف به مطالعه آن پرداخته اند. بنابراین، هر تعریفی را که در نظر بگیریم، باید کاملاً در مقابل تعریف های دیگر قرار دارد یا ناظر به یک یا تعدادی محدودی از ابعاد این پدیده است؛ از اینرو، نمیتواند بیانگر تمامی ویژگیها و مشخصات آن باشد و آن را کاملاً از پدیدهها و مفاهیم نزدیک به آن متمایز سازد.

تعریف فساد اداری :

فساد پدیده پیچیده و چندوجهی است که اشکال، عوامل و کارکردهایی متنوع در زمینه های مختلف دارد. پدیده فساد، از یک عمل کوچک خلاف قانون گرفته تا عملکرد نادرست یک نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را میتوان در بر داشته باشد. پس ارائه تعریفی واحد، کامل و جامع از اصطلاح «فساد اداری»، کاری بسیار سخت و دشوار است؛ چون فساد اداری، یک عمل بخصوصی نیست که بتوان مصادیق آن را نشان داد و به سادگی آن را تعریف کرد؛ بلکه مفهومی است که مصادیق آن را تنها در «نمود» های آن میتوان یافت و از طریق نشانه ها و عوارض آن را شناخت. چون فساد اداری، ابعاد مختلفی دارد که اندیشمندان و دست اندکاران امور سیاسی و اداری با رویکردهای مختلف به مطالعه آن پرداخته اند. بنابراین، هر تعریفی را که در نظر بگیریم، باید کاملاً در مقابل تعریف های دیگر قرار دارد یا ناظر به یک یا تعدادی محدودی از ابعاد این پدیده است؛ از اینرو، نمیتواند بیانگر تمامی ویژگیها و مشخصات آن باشد و آن را کاملاً از پدیدهها و مفاهیم نزدیک به آن متمایز سازد.

اشخاص دارای معلولیت

تبع و نگارش: گلانی سحر خیل عزیزی

اشخاص دارای معلولیت جزء از اجتماع هستند علاوه بر امتیازات به ویژه از تمامی حقوق بشری برخوردار می باشند، داشتن معلولیت ها نمیتواند باعث عدم برخورداری این اشخاص از حقوق اساسی و سایر حقوق بشری شان گردد.

اما متأسفانه در جامعه ما با این اشخاص رفتار مناسب صورت نگرفته و نه تنها از حقوق اساسی بشری شان کمتر مستفید می شوند علاوه برین به مشکلات عدیده مواجه هستند. و از طرفی در جامعه با القاب زشت و نامناسب نیز یاد می گردند که کرامت انسانی شان را خدشه دار ساخته و نیز معیار ارزش های دینی ماست در مورد کرامت انسانی در سوره اسراء خداوند (ج) چنین فرموده است: (ولقد کرمانابی آدم...) در این جایی آدم صرف مربوط گروه، قشر و قوم خاصی نبوده و معلولیت ها سبب نقص یا سلب این کرامت انسانی نمی شود. همچنان در سوره حجرات آیه ۱۱ خداوند (ج) می فرماید: ترجمه: بنام و القاب های زشت یکدیگر را مخوانید که بعد از کلمه ایمان نام سبق بر مومنان بسیار زشت است. افراد جامعه نیز کوشش نمایند تا با القاب زشت و رکیک آنها را مورد خطاب قرار ندهد به عوض آن نام آنها را بگیرند یا به عوض القاب مثل (کور، کر، شل، دیوانه و غیره) و ملامت ترین آداب معاشرت این است که آنها را بنام های اصلی شان صدا بزنند. در کونانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت آمده است که دولت های عضو کونانسیون تمامی تبعیضات بعد از معلولیت را ممنوع اعلام نموده، حمایت حقوقی مؤثر و مساوی را برای اشخاص دارای معلولیت در برابر تبعیض در تمامی زمینه ها تضمین می نماید.

برنامه آگاهی دهی حقوقی

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



بروز های یکشنبه و دوشنبه مورخ ۱۰/۱۱/۱۳۹۵ اسد سال روان اعضای مبلغین ساحوبی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه مطابق پلان مطروحه ای شان عرض تطبیق برنامه آگاهی دهی حقوقی عازم لیسه های انات ایمنی و سلطان و ارضیه واقع ناحیه هتم شهر کابل گردیدند. در ابتدا یک تن از اعضای مبلغین ساحوبی ریاست عمومی مربوطه به وزارت عدلیه و هم امریت های ریاست عمومی مساعدت های حقوقی را بطور مفصل برای شاگردان به معرفی گرفت. تیم متشکل از چهار گروه تقسیم گردیدند که هر گروه متشکل از پیرامون یک موضوع صحبت نمودند. موضوعات متشکل تحت عنوان حقوق اساسی و واجبات اتباع، حقوق طفل، منع خشونت علیه زنان و حقوق مطعون و متهم بود تعداد شاگردان اشترک کننده بطور مجموعی به ۳۵۰ تن میرسد که شامل صنف ۱۱ و ۱۲ میشدند در جریان تدریس از طرف شاگردان پیرامون موضوع سوالات مطرح گردید. که از طرف اعضای مبلغین ساحوبی به جواب داده شد. از طرف دیگر شاگردان نیز از تطبیق برنامه متشکل از تطبیق مردم می باشد در اخیر مسوولین مکاتب متشکل از تطبیق همجو برنامه های آگاهی دهی حقوقی در سطح مکاتب اظهار سپاس و قدردانی نموده، همکاری های شانرا جهت تطبیق برنامه های متشکل در آینده وعده دادند.

مادر تا وقتی که در قید نکاح یا عدت باشد، نمی تواند بدون اجازه پدر، طفل را با خود به سفر ببرد.